


Exploration of the Iranian Subject's Hystericization in Recent Decades: A Lacanian Approach

Mohsen Barghi 


Ph.D Student, Political Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran

**Seyed Amir Masoud
Shahramnia *** 

Associate Professor, Political Sciences, Faculty of Administration Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran

**Fariborz
Moharamkhani** 

Associate Professor, Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

**Seyed Gholamreza
Davazdahemami** 

Assistant Professor, Political Sciences, Faculty of Administration Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran

Introduction

The numerous social protests in Iran over recent decades indicate underlying societal issues. As a descriptive–analytical inquiry, the present study relied on Lacanian theory to address the question as to why the Iranian subject has become hysterical, expressing discontent through active protests in the past decade. Lacan attributes agency to the unconscious rather than the ego, suggesting that the subject extends beyond mere human dimensions. His theories are not merely

* Corresponding Author: m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

How to Cite: Barghi, M., Sharamnia, A. M., Moharamkhani, F., Davazdahemami, M., (2024), "Exploration of the Iranian Subject's Hystericization in Recent Decades: A Lacanian Approach", *Political Strategic Studies*, 13(49), 69- 94.

Doi: [10.22054/QPSS.2023.71558.3186](https://doi.org/10.22054/QPSS.2023.71558.3186)

considered as psychoanalytic techniques; instead, Lacan theorizes at an ontological level by introducing concepts such as fantasy and anamorphic reality. Rejecting the essentialist conception of human subjectivity, Lacanian theory offers fresh insights into the relationship between individual desires and social goals.

Materials and Methods

The present study adopted a descriptive–analytical method which depicts the existing reality as well as describes and explains its underlying reasons, dealing with the rational and dimensions of the research topic. During the descriptive phase, a theoretical framework was formulated to provide a robust base of argumentation in order to explain the underlying reasons. In the analytical phase, empirical details concerning the problem of the study were juxtaposed with general theoretical propositions to draw conclusions. The descriptive–analytical method is characterized by the researcher’s non-interference in the situation, conditions, or roles of variables; rather, they merely observe and describe what exists without manipulating or controlling other factors.

Results and Discussion

Lacan’s conceptual framework elucidates that a new Iranian subject was constructed following the 1979 Islamic Revolution. The divine Shia nation and ancient Iranian elements represented inherent gaps in the constitutive elements of the new subjectivity. The transformed nature of the ideological-cum-fantasy structure in Iranian society sought to conceal the gap, which was to be solidified by promoting divine sovereignty over the people. Maintaining this fantasy required a cause of desire, which is termed here as *Object-A*. The Iraq–Iran War in the 80s, the nuclearization project in the 2000s and the defense of holy shrines after 2010 served the role of *Object-A*. However, the

reforms of the 90s failed to introduce Object-A, which is regarded as a symptom of fantasy. Upon the ascent of the tenth Iranian government in the 2000s, the government's failure in the economic realm, coupled with specific cultural and political events, eroded the capability of the said fantasy in satisfying and persuading the people. As the fantasy weakened, the symbolic–social domain was rendered invalid, revealing an apparent gap between the real and symbolic and thus hystericizing the Iranian subject.





Conclusion

The analysis showed that noticeable economic and social deficiencies have rendered the ideological fantasy as dysfunctional after the Revolution, thus not satisfying the Iranian subject anymore. As a result, the Iranian subject challenges the Master's discourse—rather than conforming to it—actively striving to construct a new fantasy. The Islamic Revolution, as the quilting point or the point de capiton in Lacan's terminology, has been significantly compromised due to profound economic and social challenges of Iranian society. This damage stems from a gap in the Iranian subject which in turn results from the weakened dominant ideological–symbolic fantasy. This vulnerability is particularly pronounced among the youth of the 2000s, who—lacking a suitable model to ignore some of their jouissance—are driven more by the pursuit of pleasure than by reality. The norm-breaking behavior among the youth can be seen as a consequence of this phenomenon. The power structure in Iran had better rearticulate and present a model appropriate for the emerging conditions, instead of relying on coercive measures. The failure of Iran's guidance patrol (Gasht-e Ershad) serves as a prominent example in this context. By examining the series of post-2010 events (from protests against financial institutions to the protests following the death of Mahsa Amini), it appears that the Iranian subject has profoundly questioned the prevailing fantasy, thus being hystericized in Lacanian terms. To

stop this trend necessitates reformulating and presenting an appropriate fantasy to appease the subject.

Keywords: Iranian Subject, Lacan, Fantasy, Hysterical

واکاوی هیستریک شدن سوژه ایرانی در دهه اخیر بر اساس نظریه لاکان

- محسن برقی  دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- سید امیرمسعود شهرام‌نیا*  دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- فریبرز محرمانی  دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- سید غلامرضا دوازده‌امامی  استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

اعتراضات اجتماعی متعدد دهه اخیر در کشور ما بیانگر وجود مشکلاتی حل نشده در جامعه است. مشکلاتی که می‌توان آنرا از علل هیستریک شدن سوژه ایرانی دانست. پرسش این است که چرا طی دهه اخیر، سوژه ایرانی هیستریک شده و اعتراضش را به شکل عملی نشان می‌دهد. این مقاله بر اساس نظریات لاکان و با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی این پرسش می‌پردازد. وی با انتساب عاملیت، به ناخودآگاه بجای اگو سوژه را دارای ابعادی فراتر از فرد انسانی می‌داند. البته نظریات لاکان صرفاً تکنیک‌های روانکاوی نیست، بلکه او با طرح مفهوم فانتزی و واقعیت آنامورفیک، نظریاتش را در حوزه اجتماع تا سطح مباحث هستی‌شناسی ارتقا می‌دهد. لاکان به دلیل نفی مفهوم ماهیت باورانه از سوژه بشری، بر رابطه آمال فردی و اهداف اجتماعی پرتو تازه‌ای می‌افکند. نتیجه این بررسی این است که به دلیل نارسایی‌های مشهود اقتصادی و اجتماعی دهه اخیر، فانتزی ایدئولوژیک بعد از انقلاب کارکرد خود را از دست داده و دیگر سوژه ایرانی را اقناع نمی‌سازد. از این رو سوژه ایرانی به جای رفتار وفق گفتمان ارباب، آنرا به چالش کشیده و خود در صدد ساختن فانتزی جدید می‌باشد.

واژگان کلیدی: سوژه ایرانی، لاکان، فانتزی، هیستریک.

مقدمه و بیان مسئله

با نگاهی به حوادث دهه گذشته در ایران، ناآرامی‌ها هم از نظر فاصله زمانی و هم از نظر گستره اجتماعی تغییر کرده‌اند. پرسش این است که علت چیست؟ در بادی امر به نظر می‌رسد که سخت‌تر شدن تحریم‌های اقتصادی در دهه اخیر منجر به نابسامانی در معیشت مردم شده و پتانسیل بروز نارضایتی را افزایش داده است. اما در مقایسه با دوران جنگ هشت ساله، شرایط فعلی جامعه اگر بهتر نباشد، بدتر هم نیست. از این‌رو برای درک روشنتر مسائل امروز کشورمان دیگر نمی‌توان در سطح واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی متوقف شد، بلکه باید به لایه‌های ژرف‌تر ذهن و ضمیر ایرانیان توجه نمود. نظریات لاکان به ما کمک می‌کند تا با تکیه بر مفهوم ناخودآگاه و فانتزی، از سطح تجربی به لایه‌های ژرف‌تر ذهن رفته و فرآیند شکل‌گیری رضایت یا عدم رضایت را در ذهن سوژه ایرانی دریابیم. در واقع هرچند لاکان نظریه سیاسی ندارد ولی با استفاده از چارچوب نظری وی می‌توان گفت اگر حکومت بتواند از طریق فانتزی اجتماعی - ایدئولوژیک در ناخودآگاه اعضای جامعه نفوذ کند، آنگاه قدرت از شکل اجبار به همراهی رضایت‌مندان تغییر می‌یابد. از نظر وی فانتزی، ماسکی نیست که واقعیت را پنهان نماید، بلکه واقعیت را برای سوژه تعریف می‌کند. اکنون پرسش اصلی مقاله بر اساس نظریه لاکان این است که چه عواملی طی دهه گذشته سبب شده که فانتزی اجتماعی - ایدئولوژیک حاکم فاقد کارکرد گردیده، سوژه ایرانی هیستریک شده و علیه گفتمان ارباب دست به اعتراض بزند.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در مورد ویژگی‌های جامعه و حکومت ایران بعد از انقلاب به نگارش درآمده که هر کدام از منظری ویژه، انقلاب و جامعه را مورد مذاقه قرار داده‌اند. مهمترین آثار عبارتند از: کتاب اولیور روی^۱ (۲۰۰۴)، شائول بخاش^۲ (۱۹۸۵)، نیکی کدی (۲۰۰۴) و (۲۰۰۶)، یرواند آبراهامیان (۱۹۸۹ و ۲۰۰۸) که به بررسی عوامل سیاسی و مذهبی دخیل در شکل‌گیری جامعه و حکومت بعد از انقلاب در ایران پرداخته‌اند. همچنین سعید ارجمند

1. Oliver Roy
2. Shaul Bakhash

(۱۹۸۸ و ۲۰۰۳) و رامین جهاننگلو (۲۰۱۳) با نگاهی جامعه‌شناسانه مسائل ایران کنونی را بررسی کرده‌اند.

دانیل برومبرگ^۱ (۲۰۱۶) به بررسی ساختار سیاسی دولت در ایران پرداخته است. دلیپ هیرو^۲ (۱۹۸۵) تاثیر زمینه سیاسی-اقتصادی نظام بین‌الملل را در شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران مورد بررسی قرار داده است.

هما کاتوزیان (۲۰۰۳)، علی انصاری (۲۰۰۷ و ۲۰۱۳) و ویلیام کلوند^۳ (۲۰۰۹) به شکل مبسوطی شکل نظام سیاسی حاکم بر ایران را بررسی نموده است. همچنین مقالات متعددی توسط پژوهشگران داخلی در مورد علل شکل‌گیری اعتراضات در ایران تدوین گردید. از جمله سردار نیا و و البرزی (۱۴۰۱)، چراغی و مقصودی (۱۴۰۰) و نوروزپور (۱۳۹۸) به عوامل ساختاری مانند اقتصاد در ایجاد اعتراضات ایران پرداخته‌اند.

حسین پور و رشیدی (۱۴۰۰) و جودی و همکاران (۱۴۰۰)، نقش فناوری‌های الکترونیک و اینترنت را در ایجاد جنبش‌های اجتماعی جدید و اعتراضات بررسی نموده‌اند.

نیکونهاد و همکارانش (۱۳۹۹) با نگاهی فرهنگی به جنبش‌های اجتماعی جدید در ایران پرداخته‌اند.

ترتبی (۱۳۹۶)، سهرابی و همکارانش (۱۴۰۰)، محمد باقری و همکاران (۱۴۰۰) و رجبر (۲۰۱۸)، ناآرامی‌های ایران را با تکیه بر رهیافت روانکاوانه لاکان مطالعه نموده‌اند. به جز چهار تحقیق اخیر، ویژگی مشترک اغلب دیگر مطالعات، بررسی پدیدارشناسانه جامعه و حکومت کنونی ایران می‌باشد. به عبارت دیگر تحقیق تجربی حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع وجه همت این آثار بوده است. به جز چند مقاله ذکر شده، کمتر مطالعه‌ای مسائل ایران را از منظر روانکاوی سیاسی مورد بررسی قرار داده است.

تفاوت مقاله پیش‌رو با آثار موجود در این است که از یک سو به مثابه پلی میان یافته‌های تجربی با روانکاوی عمل می‌نماید و از سوی دیگر موضوع ناآرامی‌های دهه اخیر کشور که تاکنون تحلیلی با این رهیافت به بررسی آن نپرداخته است.

1. Daniel Brumberg
2. Dilip Hiro
3. William Cleveland

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. در این روش به تصویرسازی آنچه "هست"، تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی موضوع تحقیق و ابعاد آن پرداخته می‌شود. از این رو در بخش اول مقاله، چارچوب نظری تدوین شده تا تکیه‌گاه استدلالی محکمی برای تبیین و توجیه دلایل فراهم گردد. در بخش دوم، شرایط کنونی کشور که مربوط به مسئله تحقیق بوده با گزاره‌های کلی نظری انطباق داده شده و تلاش گردیده تا از این طریق به پرسش مقاله پاسخ داده شود. نکته لازم بذکر این است که چنانچه در روش توصیفی - تحلیلی رایج است، نویسندگان این سطور صرفاً با در نظر گرفتن "شرایط موجود"، به توصیف و تحلیل پرداخته‌اند.

چارچوب نظری

روانکاوی سیاسی^۱

با توجه به پژوهش‌هایی که اخیراً با کمک نظریات لاکان توسط ژریژک و برخی دیگر از نویسندگان صورت گرفته، اگر اصطلاح روانکاوی سیاسی را بپذیریم، درمی‌یابیم که میان روانکاوی سیاسی با سایر نظریات سیاسی تفاوتی اساسی وجود دارد. اکثر نظریات سیاسی مفروضشان این است که سوژه‌ها با موفقیت، هنجارهای اجتماعی را درونی می‌کنند. ولی در روانکاوی سیاسی این درونی‌سازی اساساً ناموفق است. به عبارت دیگر در روانکاوی سیاسی، هرگونه هویت پایدار و ماهیت‌باور مردود می‌باشد. در این رابطه بد نیست به تأثیر فروید و لاسول در شکل‌گیری رابطه روانکاوی و روانشناسی با سیاست نیز اشاره شود.

فروید به عنوان بنیانگذار روانکاوی با خلق مفهوم ناخودآگاه، در صدد بود تا اتهام تقلیل‌گرایی روانشناختی از آرایش را با بذل توجه به امور اجتماعی مانند لغزش‌های زبانی و تأثیرات ساختارهای اجتماعی به فرد رفع نماید.

هارولد لاسول نیز بعنوان دانشمند علوم سیاسی و نظریه پرداز ارتباطات معتقد بود آنچه رفتار افراد را تعیین می‌کند نه "عین" واقعیت، بلکه تصور از واقعیت است. از نظر وی قدرت طلبی ناشی از احساس حقارت و آرزوی احترامی است که در خانواده برآورده نشده

1. Political Psychoanalysis

و فرد آنرا در جامعه جستجو می‌کند. لاکان با پیوند زدن آرای فروید به مباحث زبانی، موفق شد تا با خلق معانی جدیدی برای مفاهیم فانتزی و نقطه کاپیتون به آنها ابعاد اجتماعی داده و به این ترتیب نظریات روانکاوی را با مسائل اجتماعی و سیاسی پیوند بزند. اگرچه وی هیچگاه از اصطلاح روانکاوی سیاسی و حتی روانشناسی سیاسی استفاده نکرد اما می‌توان در تحلیل او از اعتراضات دانشجویی ۱۹۶۸، بذر نظریات روانکاوی سیاسی را مشاهده نمود.

امروزه بررسی مسائل حوزه اجتماعی از منظر روانکاوی سیاسی رو به گسترش می‌باشد. به عنوان مثال چنین رویکردی را می‌توان در آثار اندیشمندانی چون *اریک ساتنر*^۱، *کلود لافورت*^۲، *کنت راینهارد*^۳ و *اسلاوی ژریژک* مشاهده نمود. این رهیافت بر اندیشمندانی چون *لاکلائو* و *موفه* که در ایران شناخته شده‌ترند، تاثیر فراوان گذاشته است. اکنون به شرح کوتاهی از مفاهیم مورد نیاز پژوهش برای تحلیل مسئله در چارچوب نظری لاکان پرداخته می‌شود.

سوژه

مفهوم مرکزی اندیشه‌های لاکان، سوژه است که آنرا موقعیتی در نسبت با دیگری^۴ می‌داند. "دیگری" طیفی از پدیده‌های غیرشخصی از قبیل زبان، قانون، احکا و امیال دیگران را دربرمی‌گیرد که رکن اساسی در شکل‌گیری سوژه به شمار می‌رود. لاکان سوژه را فراتر از اگو تعریف می‌کند (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۳۸). رکن اصلی سوژه لاکانی، بخش ناخودآگاه فرد انسانی است. بخشی که قابل شیئی شدن یا مطالعه عینی نیست (Evans, 2006: 198). از نظر لاکان ناخودآگاه، عرصه ظهور و ابراز میل دیگریست. از آنجاییکه دیدگاه‌ها و امیال دیگران از طریق کلام در ما جریان می‌یابد، گفتمان دیگری در ناخودآگاه ذخیره شده و چنان می‌نماید که این گفتمان در ما از نوعی استقلال برخوردار است (Lacan, 1977: 149).

-
1. Eric santer
 2. Claude Lafort
 3. Count Reinhardt
 4. Other

برای لاکان سوژه، موجودی از هم گسیخته و چندپاره است که دائما در سه ساحت خیالی، نمادین و واقعی سیر می‌کند (Lacan, 1977: 171). این نظریه لاکان بسط مفهوم اشیپالتونگ فروید است (Stavrakaki, 2008: 56). به نظر وی جزء اساسی سازنده ناخودآگاه، زبان است که آنرا دیگری بزرگ می‌نامد (Lacan, 1977: 57). این متفکر، فرایند معناآفرینی زبان را حاصل تقابل دال‌ها می‌داند و برای متوقف کردن حرکت بی‌پایان دلالتگری مفهومی به نام نقطه کاپیتون^۱ را معرفی نمود (Lacan, 1965: 267). وی متأثر از سوسور، نقطه کاپیتون را منعکس‌کننده واقعیت عینی از پیش موجود نمی‌داند. به نظر او مهمترین عرصه ظهور قدرت، معنادار کردن این دال تهی است. این رهیافت لاکان به قدرت همزمان با چرخش زبانی در فلسفه، زمینه مناسبی برای استفاده از آرای او را در علوم سیاسی فراهم نموده است.

ژوئیسانس و فانتزی

به اعتقاد لاکان، انسان به‌عنوان سوژه با "میل"های سیری‌ناپذیری به جنبش درمی‌آید (Lacan, 1979: 275). اما به محض اینکه ما در صدد تحقق میل‌مان برمی‌آییم به طرز اجتناب‌ناپذیری ناکام می‌مانیم. چرا که همواره احساس می‌کنیم چیز بیشتری وجود دارد که از دست داده‌ایم. این چیز بیشتر که ما را فراتر از لذت ناچیزی که تجربه می‌کنیم می‌کشاند، ژوئیسانس^۲ است (هومر، ۱۳۹۸: ۱۲۵). از نظر وی سوژه همواره دچار فقدان ژوئیسانس است. ابژه^۳ به‌عنوان یادآور^۴ لذت از دست رفته (ژوئیسانس) یا فقدان ایفای نقش می‌کند. فرد با کمک ابژه آ قادر می‌گردد، وجود خود را به منزله وجود میل‌ورز تداوم بخشد. ابژه آ میانجی بین فانتزی و امر واقع است (فینک، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

فانتزی طریقی است که به کمک آن با عدم رضایتمان از ژوئیسانس خودمان و امکان‌ناپذیری امر واقع کنار بیاییم. سوژه در فانتزی است که میل ورزیدن را می‌آموزد. آنچه فرد به‌عنوان واقعیت تجربه می‌کند، ساخته فانتزی است (هومر، ۱۳۹۸: ۱۲۱). در این

1. Point de capiton
2. Jouissance
3. Object a
4. Rem(a)inder

رابطه لاکان با استفاده از مفهوم واقعیت آنامورفیک^۱، نگاه سوژه را تبدیل به رکنی می‌کند که در ساختن واقعیت و آشکار نمودن آن بسیار حیاتی است. فانتزی اجتماعی-ایدئولوژیک مثال معروف این نوع نگاه می‌باشد (Zizek, 1987: 53). لاکان با استفاده از مفهوم فانتزی، تقابل متعارف میان ذهنی (سوبژکتیو) و عینی (ابژکتیو) را برمی‌اندازد.

تحلیل شرایط

شکل‌گیری سوژه ایرانی

عناصر سازنده سوژه ایرانی در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- عناصر سازنده فانتزی ایدئولوژی ایرانی یا دکتترین^۲ که در آن عناصر ذهنی سوژه ایرانی مد نظر است، ۲- عقاید، حافظ وضع موجود و سازنده ناخودآگاه سوژه ایرانی یا باور^۳ که در آن بیشتر به تجلی باورها و عناصر عینی در رفتار سوژه ایرانی تمرکز شده است و ۳- رابطه میان سوژه ایرانی با ساختار قدرت یا آیین^۴ که مراد از آن مکانیزم بازتولید است.

۱- **دکتترین**: انقلاب ایران تنها انتقال قدرت صرف از یک طبقه حاکم به طبقه حاکم جدید نبود، بلکه تحولی همه‌جانبه در تمام وجوه زندگی ایرانیان بود. جامعه ایران در واکنش به اضطراب ناشی از مدرنیته سریع دوره پهلوی دوم، خواهان راه‌حلی برای برون‌رفت از این فشار بود. از آنجا که دین محافظ خوبی برای مقابله با اضطراب مدرنیسم است (Lacan, 2013: 66). شعار بازگشت به "سنت اصیل اسلامی" راه‌حلی بود که به واسطه پیشینه ذهن مذهبی سوژه ایرانی، تبدیل به دکتترین انقلاب شد. در تغییر ایدئولوژی باستان‌گرایی پهلوی به سنت اصیل اسلامی در انقلاب ایران، "دیگری بزرگ" اراده خداوند بود که فرامینش را در قرآن ابلاغ کرده و مفسر آن یعنی رهبر فقیه، نماینده خدا تلقی می‌شد. به این جهت است که مخالفت با رهبری، مخالفت با خدا و دین تعبیر می‌گردد. فانتزی برآمده از این دکتترین برای ارائه تصویری منسجم از جامعه عبارت شد از "ملت شیعه الهی" که از عناصر آن می‌توان به آموزه‌های دینی-شیعی مثل رسالت الهی

-
1. Anamorphic Reality
 2. Doctrine
 3. Belief
 4. Ritual

پیامبر برای هدایت جامعه، نیابت ائمه برای ادامه ماموریت پیامبر، امامت و غیبت امام دوازده‌ام و امانت حکومت نزد فقها در زمان غیبت به علاوه عناصر باقی مانده از تاریخ باستانی ایران اشاره نمود (Roy, 2004: 653 & Rajbar, 2018: 72). تحولاتی مانند پاکسازی‌ها، انقلاب فرهنگی، تدوین قانون اساسی جدید، تلاش برای تحقق این فانتزی بود. در فانتزی ملت شیعه الهی، دو ویژگی "اسلامی" و "ایرانی" نهفته بود. این دو وصف شکافی را برای سوژه ایرانی به همراه داشت که در تمام ساختارهای اجتماعی و سیاسی رخنه کرده و به مرور زمان پررنگتر گردید (Gerner, 2000: 12-Owen, 1992: 122).

۲- باورها: برای توضیح اینکه چگونه میل در سوژه برای عمل بر اساس دکترین ایجاد می‌گردد، از مفهوم انتخاب اجباری^۱ لاکان کمک می‌گیریم. این مفهوم برای اشاره به زمانی است که فکر می‌کنیم آزادانه دست به انتخاب زده‌ایم حال آنکه از قبل توسط یکسری باورها که مبنای فکر کردن ما قرار گرفته، محاصره شده‌ایم (Lacan, 1994: 163). در واقع میان فانتزی ایدئولوژیک که سازنده ساحت نمادی-اجتماعی می‌باشند با سوژه شکافی وجود دارد که سوژه با نیروگذاری لیبیدویی^۲ آنرا پر می‌نماید. توضیح اینکه با نفوذ فانتزی به ناخودآگاه سوژه، رابطه هژمونیک آن از دید سوژه پنهان می‌ماند و سوژه حین عمل به شکل غیرارادی بر حسب معیارهایی که در ذهنش مندرج شده عمل می‌کند. در این فرآیند، باورها برای سوژه به عنوان امور طبیعی، الهی و عقلی توسط دیگری بزرگ تعیین گردیده و سوژه در زندگی خود ضمن عمل بر وفق آنها، به بازتولیدشان اقدام می‌نماید.

الگوی ملت شیعه الهی نزد سوژه ایرانی این تلقی را ایجاد نمود که ملتی متفاوت با ماموریتی خاص می‌باشند و پیروزی انقلاب علیه حکومت قدرتمند پهلوی نشانه آن و انفجار نور تفسیر شد. در دهه آغازین انقلاب، نزد سوژه ایرانی باور به اینکه خداوند در تمام وجوه زندگی آنان حضور دارد و آنها را پشتیبانی می‌نماید، انکارناپذیر بود. به عنوان مثال پیروزی‌های جنگ، عنایت الهی و شکست امتحان الهی تلقی می‌شد. خداوند، دیگری بزرگی بود که سوژه ایرانی خود را مامور به انجام "تکالیف" او می‌دانست (Zizek,

1. Forced Choice
2. Libidinal Investment

17: 2008). به این ترتیب باور الهی جنبه عملی در زندگی ایرانیان داشت. اما همانگونه که پیشتر ذکر شد، دو گانه دینی و ملی در بن مایه سوژه ایرانی به تدریج طی سال‌های بعد از انقلاب، در ساختار سیاسی به شکل دو گانه انتخابی و انتصابی و در ساختار اجتماعی به شکل دو گانه عرف و شرع آغاز به آشکار شدن نمود. این شکاف در کنار شکاف میان ساحت واقع، ساحت نمادین و ساحت خیالی و همچنین شکاف میان سوژه و دیگری بزرگ، سوژه ایرانی را بشدت در معرض از دست دادن یکپارچگی قرار داد. به عنوان راه حل، فانتزی ایدئولوژیک ملت شیعه الهی در تلاش برای فائق آمدن بر این شکاف‌ها دائما تبلیغ می‌شد.

۳- آیین‌ها: فانتزی با زنده نگه داشتن میل در سوژه، شکاف سوژه را پوشانده و آنرا را حفظ می‌کند. در واقع سوژه و فانتزی به هم وابسته‌اند. به این شکل که سوژه با نیروگذاری لیبیدوی موجب ماندگاری فانتزی می‌شود و متقابلا فانتزی برای سوژه، زنجیره دال برای شکل دهی به ساختار نمادی- اجتماعی را فراهم می‌آورد (ژیرک، ۱۳۹۵: ۶۷). ویژگی کاریزماتیک رهبر انقلاب و اعتقاد به اینکه ایشان بیانگر دستورات خدا (دیگری بزرگ) می‌باشد، سبب شد تا سوژه ایرانی در اطاعت از ایشان از ژوئیسانس خود به نفع ساختار نمادی- اجتماعی انقلاب صرف نظر نماید. در واقع فانتزی اجتماعی ایدئولوژیک انقلاب بر اساس قدرت کاریزماتیک امام خمینی (ره) در میان سوژه‌های ایرانی پذیرفته شده بود. به این ترتیب تا سال‌ها بعد از رحلت ایشان ساحت نمادین از سوی سوژه ایرانی بدون چون و چرا اطاعت می‌شد. حکومت هم با برپایی هر چه پرشورتر آیین‌های مذهبی خصوصا مراسم عاشورا و تکریم امام حسین (ع)، تجلیل اماکن مقدسه شیعی، اقامه نمازهای جمعه سراسری و محوریت مساجد سعی داشت تا ساختار نمادین را هر چه قوی تر باز تولید نماید. از نشانه‌های این امر می‌توان به حمایت از برگزاری مراسم "مدح" الگوهای مذهبی اشاره نمود.

در زنجیره دال‌های فانتزی ایدئولوژیک بعد از انقلاب، مفهوم "انقلاب اسلامی" نقطه کاپیتون یا دال مرکزی بود که سایر دال‌ها معنای خود را از آن اخذ می‌نمودند. ساختار قدرت با تفسیر مسیر، تعیین دوست و دشمن، ضروریات و منهیات انقلاب اسلامی، عملا شکل دهی به ساختار نمادی- اجتماعی را در دست داشت و به تبع آن، تعیین ابژه کوچک

آ هم با حکومت بود. فانتزی با کمک ابژه کوچک آ که واسطه میان امر واقع و فانتزی است، میل را در سوژه زنده نگه می‌دارد. بر این اساس در دهه ۶۰ جنگ برای دفاع از انقلاب اسلامی، در دهه ۸۰ پروژه هسته‌ای شدن برای تقویت انقلاب اسلامی و در دهه ۹۰ دفاع از حرم در سوریه و عراق عمق استراتژیک انقلاب اسلامی، همان "ابژه آ" بود که برای سوژه ایرانی تبلیغ می‌شد. دهه ۷۰، دوره اصلاحات آقایان هاشمی و خاتمی که "ابژه آ" معرفی نشد، مغایر "انقلاب اسلامی" تلقی گردید. از این رو اقدامات دهه ۷۰ به عنوان سمپتوم فانتزی ملت شیعی الهی و مقصر حاصل نشدن ژوئیسانس سوژه ایرانی معرفی می‌شود.

هیستریک شدن سوژه ایرانی

در بیان علل هیستریک شدن سوژه ایرانی می‌توان به علل بیرونی مانند تاثیرگذاری کشورهای خارجی در تحریف واقعیات و تحریک سوژه و علل درونی مانند حکمرانی غلط و ناکارآمدی اشاره کرد که در این پژوهش تاکید بیشتر بر علل درونی است. البته توجه به این نکته لازم است که به دلیل تاثیر فراوان هگل بر لاکان، رهیافت او منطق دیالکتیکی به جای منطق دوگانگی است. از این رو است که وی به جای دو گانه سوژه/ابژه، از فانتزی به عنوان امری عینا ذهنی^۱ یاد می‌کند. (هومر، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

بر اساس مطالب بیان شده، خدا (دیگری بزرگ)، ملت شیعه الهی فانتزی ایدئولوژیک و برخی حوادث هم ابژه آ بودند که تا اواخر دهه ۷۰ عناصر سازنده سوژه ایرانی را تشکیل می‌دادند. در ابتدای دهه ۸۰ و روی کار آمدن آقای احمدی نژاد، امیدهای زیادی برای احیای فانتزی ملت شیعه الهی بوجود آمد. این رویداد با عناوینی چون معجزه هزاره سوم، دولت انقلابی عدالت گستر و زمینه ساز ظهور و تحقق نهایی ملت شیعی الهی با رهبری امام عصر، دائما تبلیغ می‌شد. به این سبب بود که مفهوم محوری شیعه یعنی مهدویت در دوره نخست دولت آقای احمدی نژاد بسیار برجسته گردید. اما بعد از مدتی ایشان مسیر متفاوتی را پیش گرفت. ادعای هاله نور در سال ۱۳۸۴، صدور دستور البته ناموفق حضور بانوان در ورزشگاه در سال ۱۳۸۵ و پروژه مکتب ایرانی در سال ۱۳۸۹ از بارزترین نشانه‌های آن

1. Objectively Subjective

است. در واقع این حوادث نمونه‌ای از تجلی شکاف ایرانی و اسلامی بود که در سوژه ایرانی وجود داشت. وی برای جلب حمایت مردم به توزیع پول با عنوان یارانه و ساخت شعار مبارزه با مافیای قدرت اقدام نمود. در فانتزی که او درصدد ساختنش بود، برخی از چهره‌های با سابقه و سازنده عصر بدون ابژه انقلاب به‌عنوان سمپتوم^۱ معرفی شدند. این فرآیند در مناظرات سال ۸۸ و حوادث پس از آن به اوج خود رسید. دولت دهم بسیار سعی نمود تا بتواند به دال‌ها و خصوصاً نقطه کاپیتون انقلاب اسلامی، معنای مد نظرش را ببخشد. به عنوان مثال می‌توان به بستن شال سبز در ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ توسط آقای احمدی نژاد اشاره نمود که سعی داشت به نماد سبز معنای دیگری ببخشد. این تلاش‌های ناموفق شکاف میان جزء اسلامی با ایرانی در سوژه ایرانی را که با فانتزی ملت شیعه الهی نادیده گرفته می‌شد، آشکارتر نمود. به‌عنوان نمونه در حادثه غیبت یازده روزه وی در سال ۱۳۹۰، رهبری به‌عنوان واسطه دیگری بزرگ به چالش کشیده و فاصله امر واقع با ساحت نمادی-اجتماعی برای سوژه ایرانی آشکار و آشکارتر گردید.

تحولات عرصه اقتصادی، کاتالیزور روند تضعیف فانتزی ساحت نمادی-اجتماعی بود. رشد اقتصادی از ۵/۷۳ دولت قبل به ۳/۵۲ رسید و البته این میزان رشد هم با افزایش پنج برابری هزینه صورت گرفت (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۹۶). سیاست‌های اقتصادی نادرست، فقدان انضباط مالی و البته تشدید تحریم‌ها را می‌توان به‌عنوان ریشه مشکلات اقتصادی برشمرد. تورم ۴۰ درصدی و کاهش ۷۰ درصدی ارزش پول ملی مهمترین ثمره این اتفاقات بود (خدابخشی، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

همیشه با وقوع حوادثی چون بحران عظیم اقتصادی یا شکست در جنگ، کل ساحت نمادی-اجتماعی سست شده و فانتزی بی‌اثر می‌گردد. در این صورت دیگر فانتزی قادر نیست تا نظم و هماهنگی اجتماعی یا طبیعی را برای سوژه ایجاد نماید. یاس، ناامیدی، و طغیان سوژه نتیجه این شرایط است.

اکنون با توجه به چهار گفتمان ۱- ارباب، ۲- دانشگاه، ۳- هیستریک و ۴- روانکاو لاکان (Lacan, 1969: 1970) می‌توان گفت که وقتی شکاف سوژه آشکار می‌شود، سوژه شکافته جایگاه ارباب را مورد سوال قرار می‌دهد (فینک، ۱۳۹۷: ۲۶۸-۲۷۰). در

چنین شرایطی گفتمان هیستریک شکل گرفته و سوژه به ساحت نمادین اعتراض می‌کند. لاکان برای توصیف دانشجویان انقلابی اعتراضات ۱۹۶۸ پاریس، از اصطلاح هیستریک استفاده کرد و منظورش این بود که دانشجویان علیه اتوریته دانشگاه و اساتید قیام کرده‌اند (Lacan, 1977: 34). سوژه هیستریک به رغم تلاش ساحت نمادین برای ارائه تصویر ساده و یکدست از جهان واقع، می‌داند که جهان واقع، جهانی آنتاگونیستیک^۱ است. سوژه هیستریک هنگامی ظهور می‌کند که متوجه فاصله میان امر واقع و نظم نمادی-اجتماعی شده و پاسخ‌های موجود مبنی بر ارائه تصویر یکدست و ساده را ناکافی می‌یابد (Zwart, 2022: 135).

به موجب دوگانه اسلامی و ایرانی، سوژه ایرانی شکافی را با خود حمل می‌کرد که از سال‌های بعد جنگ، نمایان و طی تحولات دهه ۸۰ کاملاً آشکار گردید. فانتزی موجود دیگر قادر به شکل دادن تصویر آرمانی و آرام نمودن سوژه و تثبیت ساحت نمادی-اجتماعی نبود. توضیح اینکه اولین نشانه‌های شکاف بعد از پایان جنگ پدیدار شده بود که انشعاب مجمع روحانیون مبارز در آستانه انتخابات مجلس سوم در سال ۱۳۶۶ نمونه آشکار آن است. برای ترمیم این شکاف، رهبر انقلاب در پاسخ به نامه آقای انصاری، نامه معروف به منشور برادری را در سال ۱۳۶۷ نگاشت. چنین شکاف‌هایی با تشدید مشکلات اقتصادی سبب شد تا آن تصویر آرمانی فانتزی که در آن دولت در کمال اقتدار و تحت حمایت دیگری بزرگ، قادر به حل تمام مشکلات است، از بین برود.

شرایط نابسامان اقتصادی با عدم توانایی دولت همبسته شده و با ادامه یافتن آشفتگی‌های اقتصادی، اعتبار فانتزی ملت الهی شیعی برای سوژه ایرانی از اعتبار افتاد. متعاقب آن، سوژه در صدد برآمد تا فانتزی جدیدی بسازد. گسترش اعتراضات و تغییر جهت شعارهای مردم و در حوادث دهه ۹۰ شاهد این ادعا می‌باشد. اعتراض‌مالباختگان موسسات اعتباری در سال ۱۳۹۶ و اعتراضات سال ۱۳۹۷ کم‌کم از اعتراض به شرایط اقتصادی به سمت مسائل اجتماعی-سیاسی کشیده شد. به قسمی که در ناآرامی‌های سال ۱۳۹۸ که در پی افزایش قیمت بنزین و حادثه شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی صورت گرفت، به اوج رسید.

1. Antagonistic

در مورد عوامل تاثیرگذار بیرونی لازم است نکته‌ای ذکر شود مبنی بر اینکه از ارکان حفظ فانتزی در باور سوژه، احساس مقبولیت آن نزد دیگر سوژه‌ها می‌باشد. با فراگیر شدن وسایل ارتباطی از قبیل تلفن همراه و اینترنت، عقاید به سرعت به اشتراک گذاشته می‌شود. به این سبب است که امروزه در حوزه مطالعات پسااستعماری^۱، قدرت نرم و رسانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته است. تاثیر فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی بر متولدین دهه ۸۰ معروف به نسل زد^۲ به روشنی قابل مشاهده است، گروه سنی که بیش از همه برای یافتن هویت خود در معرض تهدید می‌باشند. این گروه از رهگذر همان‌انگاری با موضوعات جمعی در پی هویت سوژکتیو قدرتمندی برای خود هستند. اما وقتی همان‌انگاری با دیگری بزرگ ناکام می‌ماند، سوژه دچار روان‌ضربه^۳ شده و نیازمند فانتزی قوی است.

از نظر لاکان فانتزی فقط کارش این نیست که راهی برای گریز از واقعیت عرضه کند، بلکه خود واقعیت اجتماعی را به عنوان راهی برای گریز از هسته روان‌ضربه امر واقع به ما عرضه می‌دارد (Zizek, 1987: 49). بدین ترتیب در جامعه ایران، فانتزی ارائه شده از سوی ساختار قدرت، جذابیت خود را برای اقناع سوژه از دست داده، روان‌ضربه سوژه شکافته آشکار شده و شهروندان و خصوصا جوانان بدل به سوژه هیستریک شده‌اند. در مقابل اما ساختار قدرت به جای ترمیم فانتزی، اقدامات سختگیرانه برای تحمیل فانتزی خود را افزایش داد. آغاز به کار گشت ارشاد در سال ۱۳۸۵ نمونه این اقدامات می‌باشد. بدین ترتیب ممنوعیت‌های وضع شده از جانب قدرت میل را به رانه^۴ تبدیل کرد (Zizek, 2008: 36) و موجب افزایش توانایی درونی سوژه برای عصیان گردید. چرا که در اثر اقتدار سفت و سخت، وضعیت تثبیت^۵ پدیدار می‌شود. این وضعیت همواره حاوی چیزی نمادسازی نشده است که در اثر تثبیت به ناخودآگاه رانده شده و شعله میل دستیابی به ژوئیسانس را افروخته‌تر می‌کند. از این رو است که هرچه محدودیت بیشتر باشد، تمایل به زیر پا گذاشتن و نقص محدودیت در افراد بیشتر می‌گردد.

-
1. Post Colonial
 2. Z Generation
 3. Truma
 4. Drive
 5. Fixation

ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ و حادثه مهسا امینی حاصل این وضعیت است. شهروندان معترض و خصوصا جوانان دهه ۸۰ بشدت علیه شرایط موجود اعتراض نمودند و شعارهای ملی‌گرایانه از قبیل جانم فدای ایران با ادبیات هنجارشکنانه سر دادند. بعلاوه در عمل هم جوانان با فراتر رفتن از الگوهای ساحت نمادین، سبک زندگی دلخواه خود را به اجرا گذاشته‌اند. به عبارت دیگر وقتی فانتزی مناسبی وجود نداشته باشد که سوژه شکافته را وحدت بخشیده و قانع نماید تا از ژوئیسانس خود صرفنظر کند و به جای اصل لذت، از اصل واقعیت پیروی نماید، نتیجه آن ظهور سوژه‌ای است که تنها به فکر پیدا کردن راهی برای به حداکثر رساندن لذت خود است. محصول تمام این وقایع سوژه هیستریکی است که نه فقط جوانان بلکه سایر اقشار را هم شامل می‌شود. این سوژه باید توسط فانتزی نوینی آرام گردد، در غیر اینصورت استعداد بروز رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی در آن بسیار زیاد است.

نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ تنها قدرت سیاسی جابجا نشد، بلکه علاوه بر ساختار سیاسی، فانتزی باستان‌گرایی شاهنشاهی دوره پهلوی به ملت شیعی الهی تبدیل گردید. در این ساختار جدید که تلفیقی از عناصر ملی و شیعی بود، سوژه جدیدی شکل گرفت. برای این سوژه دیگری بزرگ، دین‌خداوند بود که رهبر انقلاب واسطه او و ملت تلقی می‌شد. در دهه ۶۰ ابژه آ جنگ بود که میل سوژه را در اطاعت از خداوند، به کمال رسیدن و در نهایت رسیدن به دیگری بزرگ را تجسم می‌بخشید. با پایان جنگ و در دهه ۷۰ به تدریج شکاف در فانتزی ایجاد شد که انشعاب روحانیون مبارز در آستانه انتخابات مجلس سوم در سال ۱۳۶۶ نمونه آشکار آن است. دهه ۷۰، دوره اصلاحات بود در این دوره ابژه آ مشخصی برای تداوم بخشیدن به سوژه میل‌ورز انقلابی ارائه نشد. بعدها آقایان هاشمی و خاتمی به عنوان سمپتوم فانتزی انقلابی معرفی شدند. در دهه ۸۰ و با روی کار آمدن آقای احمدی نژاد، امید برای حفظ و تقویت فانتزی ایدئولوژی انقلاب افزایش یافت. اما در این دوره اتفاقات دیگری هم رخ داد.

از مهمترین حوادث می‌توان به اختلاف با رهبری و تلاش ایشان برای بدست گرفتن تفسیر نقطه کاپیتون انقلاب اسلامی اشاره نمود. تلاش ناموفق وی سبب شد که وی و همفکرانش جریان انحرافی لقب گرفته و کنار گذاشته شوند. در کنار این مسائل، تشدید مشکلات اقتصادی سبب شد نابسامانی اقتصادی با عدم توانایی دولت همبسته شده و در نهایت فائزتری که دولت از آن حمایت کرده و از آن مشروعیت می‌گرفت نزد سوژه ایرانی مخدوش گردد.

آسیب فائزتری سازنده ساحت نمادی- اجتماعی در نسل جوان دهه ۸۰ انعکاس بیشتر یافت. چرا که این نسل به سبب نداشتن الگوی مناسب برای صرف نظر بخشی از ژوئیسانسش، از اصل لذت به جای اصل واقعیت تبعیت می‌کند. بروز رفتارهای هنجارشکنانه از سوی جوانان محصول این رخداد است. ساختار قدرت در عوض به جای اصلاح و ارائه فائزتری متناسب با روزگار جدید، سعی نموده تا با بکار گرفتن اجبار بیشتر، فائزتری قدیم را کماکان حفظ نماید. چنانکه ملاحظه شد بتدریج فائزتری حکومت بی‌اثر گردید و توانایی شکل دادن واقعیت برای سوژه ایرانی را از دست داد. تا اینکه در اواخر دهه ۹۰ با تشدید مشکلات اقتصادی، سوژه ایرانی دیگر به پذیرش عدم تحقق ژوئیسانسش تن نداده و گفتمان ارباب را به چالش کشید. سلسله حوادثی که از سال ۱۳۹۶ با اعتراض به صندوق‌های مالی شروع و تا اعتراض به مرگ مهسا امینی سال ۱۴۰۱ ادامه یافت، شاهد این ادعا می‌باشد. بنا به آنچه شرح داده شد پیشنهاد می‌شود ساختار حاکم به جای تکیه بر اجبار، سعی نماید تا فائزتری مناسبی برای آرام نمودن این سوژه هیستریک شده ارائه کند. در غیر اینصورت احتمال بروز اعتراضات شدیدتر وجود خواهد داشت.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohsen Barghi		https://orcid.org/0009-0006-7493-5249
Seyed Amir Masoud Shahrarnia		https://orcid.org/0000-0001-8333-0256
Fariborz Moharamkhani		https://orcid.org/0000-0001-7440-1454
Mohsen Davazdahemami		https://orcid.org/0000-0002-7758-0854

منابع

- استاوراکاکیس، یانیس، (۱۳۹۲)، *لاکان و امر سیاسی*، ترجمه محمد علی جعفری، نشر ققنوس.
- بروس، فینک، (۱۳۹۷)، *سوژه لکانی بین زبان و ژوئیسانس*، ترجمه محمد علی جعفری، تهران: نشر ققنوس.
- تربتی، سروناز، (۱۳۹۶)، «برساخت فانتزی و تحلیل سوژه هیستریک در گفتمان فیسبوک با تاکید بر ابژه نگاه خیره»، *شناخت*، شماره ۷۷.
- ژیزک، اسلاوی، (۱۳۹۵)، *لاکان به روایت ژیزک*، ترجمه فتح محمدی، تهران: نشر هزاره سوم.
- سردارنیا، خلیل اله و البرزی، هنگامه، (۱۴۰۱)، «تحلیل اعتراضات صنفی - اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر سیاست خیابان»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۴۴.
- سهرابی، مه سیماء؛ تاجیک؛ محمدرضا و میراحمدی، منصور، (۱۴۰۰)، «روان کاوی سیاسی و گفتمان: گزاره‌های تروماتیک و سوژه‌های هیستریک در گفتمان نواصلاح طلبی (۱۳۹۲-۱۳۹۸)»، *پژوهش‌های سیاست نظری*، دوره ۱۵، شماره ۲۹.
- خدابخشی، لیلا؛ خالدی، احسان و آسوده، رضا، (۱۳۹۷)، «مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با حسن روحانی»، *فصلنامه راهبرد سیاست*، دوره ۲ شماره ۷.
- جودی بهنام و یگانه، محمد، (۱۴۰۰)، «معرفی و نقد دموکراسی و جنبش‌های اجتماعی: نقد کتاب می‌توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش‌های اجتماعی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۹۴.

- چراغی، حسین؛ مقصودی، مجتبی و نظری، علی اشرف، (۱۴۰۰)، «رویکرد جنبش‌های اجتماعی و سندیکاها کارگری پس از انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۴۱.
- حسین پور، روح اله و رشیدی، احمد، (۱۴۰۰)، «اعتراضات دی ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دور ۱۰، شماره ۳۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۶)، *کد موضوعی: ۲۲۰*.
- نیکونهاد، ایوب و فتحی، محمدجواد، (۱۳۹۹)، «بررسی کارکردها و تأثیرات رسانه‌های نوین بر معنا و کنش جنبش‌های اجتماعی جدید»، *جامعه فرهنگ و رسانه*، شماره ۳۶.
- نوروزپور، مرتضی، (۱۳۹۸)، «تحلیل اعتراض‌های سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۵۶.
- هومر شون، (۱۳۹۸)، *تراک لاکان*، ترجمه محمد علی جعفری و سید محمد ابراهیم طاهائی، تهران: نشر ققنوس.

References

- Abrahamian, E, (1989), *Radical Islam: The Iranian Mojahedin*, London: I.B. Tauris & Co Ltd.
- Abrahamian, E, (2008), *A History of Modern Iran*, New York: Cambridge University Press.
- Arjomand, S.A, (1988), *The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran*, New York and Oxford: Oxford University Press.
- Arjomand, S.A, (2003), "Shi'ite Islam and the Revolution in Iran, In: Turner, B. S. ed. *Critical Concepts in Sociology: Islam*", *State and Politics*, Volume II, London and New York: Routledge, pp. 348–367.
- Ansari, A.M. Ed, (2013), *Perceptions of Iran: History, Myths and Nationalism from Medieval Persia to the Islamic Republic*. London and New York: I.B. Tauris & Co Ltd.

- Ansari, A. M. Ed, (2016), *Iran's Constitutional Revolution of 1906 and Narratives of the Enlightenment*, Chicago: University of Chicago Press.
- Bakhash, S, (1985), *The Reign of the Ayatollahs: Iran and the Islamic Revolution*, London: Unwin Paperbacks.
- Cleveland, W.L & Bunton, M, (2009), *A History of the Modern Middle East*, 4th Ed, Cambridge and Oxford: Westview Press.
- Evans, D, (2006), *An Introductory Dictionary of Lacanian Psychoanalysis*, London and New York: Routledge.
- Glynos, Jason & Stavrakakis, Yannis, (2008), *Lacan and Political Subjectivity: Fantasy and Enjoyment in Psychoanalysis and Political Theory*, www.pahgrave-journals.com/sub.
- Gerner, DJ, (2000), *Understanding the Contemporary Middle East*, Colorado and London: Lynne Rienner Publishers.
- Hiro, D, (1985), *Iran under the Ayatollahs*, London: Routledge & Kegan Paul plc.
- Jahanbegloo, R, (2013), *Democracy in Iran*, London and New York: Palgrave MacMillan.
- Katouzian, H, (2003), *Iranian History and Politics: The Dialectic of State and Society*, London and New York: Routledge Curzon.
- Keddie, N. R, (2004) , *Iranian Revolutions in Comparative Perspective. In: Hourani, A. et al., Ed. The Modern Middle East*, 2nd ed, London and New York: I.B, Tauris & Co Ltd, pp. 615–638.
- Keddie, N.R, (2006), *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*, London and New Haven: Yale University Press.

- Lacan, Jacques, (1977), *The Agency of the Letter in the Unconscious, or Reason Since Freud*, *Ecrits: A Selection*, (Alan Sheridan, Trans.), London: Tavistock.
- Lacan, Jacques, (1978), *On Psychoanalytic Discourse*, (J.W. Stone, and Trans.), *Published in the Bilingual Work, Lacan in Italia*. Pp. 32-35
- Lacan, J, (1994), *The Four Fundamental Concepts of Psychoanalysis*. London and New York: Penguin Books Ltd.
- Lacan, J, (2013), *The Triumph of Religion*, Cambridge and Malden: Polity Press.
- Lacan, J, (1969-1970/1992), *O Seminário livro 17, o avesso da psicanálise*, Rio de Janeiro: Jorge Zahar.
- Lacan, J, (1965-66), *Seminar XII, Crucial Problems for Psychoanalysis*, trans. Cormac Gallagher, *Unpublished Manuscript*.
- Oliver, Bert, (2004), "Lacans Subject: The Imaginary, Language, the Real and Philosophy", *South Africa Journal of Philosophy*, Vol. 23.
- Owen, R, (1992), *State, Power and Politics in the Making of the Modern Middle East*, London and New York: Routledge.
- Rajbar, Simon, (2018), "Iran as a Symptom: A Psychoanalytic Critique of the Ideological Structure in the Islamic Republic", Cardiff University.
- Roy, O, (2004), *The Crisis of Religious Legitimacy in Iran*, In: Hourani, A. H, et al. Ed, *The Modern Middle East*, 2nd ed. London and New York: I.B, Tauris & Co Ltd.

- Zwart, Hub, (2022), “Lacan’s Dialectics of Knowledge Production: The Four Discourses as a Detour to Hegel”, *Foundations of Science* <https://doi.org/10.1007/s10699-022-09832-6>.
- Žižek , S, (1987), *Why Lacan is not a Post-structuralist?* Newsletter of the Freudian Field.
- Žižek, S, (2008), *The Sublime Object of Ideology*, London and New York: Verso.

In Persian

- Bagheri, Mohammad; Mokhtari Ali; Ekwani Hamdaleh & Haqirat Sadegh (2022) ,“Relation between the Lacanian Subject and the Formation of Theories of the Failure of the Constitutional Movement”, *Journal of Theoretical Policy Research*, New course, No. 29.
- Bruce, Fink, (2017), *Lacanian Subject between Language and Jouissance*, Translated by Mohammad Ali Jafari, Tehran: Qoqnoos Publication.
- Cheraghi, Hossein; Maqsoodi Mojtaba & Nazari, Ali Ashraf, (2021), “The Approach of Social Movements and Labor Unions after the Islamic Revolution of Iran”, *Political Researches of the Islamic World*, No. 41.
- Islamic Council Research Center, Deputy of Economic Researches, Office of Economic Studies, (2018) , Subject code: 220.
- Homer, Shun, (2019), *Jacques Lacan*, Translated by Mohammad Ali Jafari and Seyed Mohammad Ibrahim Tahai, Phoenix Publication.
- Hosseinpour Ruhollah & Rashidi Ahmed, (2021), “Protests of December 2016 from the Perspective of Network Society Theory”, *Scientific Quarterly of Policy Strategic Researches*, Vol. 10, No. 39.

- Judy, Behnam & Yaganeh Muhammad, (2021), "Introduction and Critique of Democracy and Social Movements: Review of the Book Can Democracy be Saved?", Participation, Council and Social Movements, *Critical Research Paper of Humanities Texts and Programs*, No. 94.
- Khodabakhshi Leila Khalidi Ehsan Asoudeh Reza, (2018), "Comparison of Iranian Economic Performance Indicators under President Mahmoud Ahmadinejad with Hassan Rouhani", *Political Strategy Quarterly*, Vol. 2, No. 7.
- Nowroozpour, Morteza, (2019), "Analysis of Political Protests of January 1396", *Journal of Political Science*, No. 56.
- Niconahad Ayoub & Fathi Mohammad Javad, (2020), "Investigation of the Functions and Effects of New Media on the Meaning and Action of New Social Movements", *Community of Culture and Media*, No. 36.
- Stavrakakis, Yannis, (2013), *Lacan and the Political*, Translated by Muhammad Ali Jafari, Tehran: Qoqnoos Publication.
- Sardarnia, Khalil Elah & Albarzi Hengameh, (2022), "Analysis of the Recent Trade Union-social Protests in Iran (1400-1396) from the Perspective of Street Politics", *Scientific Quarterly of Strategic Policy Research*, Vol. 11, No. 44.
- Sohrabi, Mah Sima, Tajik Mohammadreza & Mir Ahmadi Mansour, (2021), "Political Psychoanalysis and Discourse: Traumatic Propositions and Hysterical Subjects in Reformist Discourse (1398-1392)", *Theoretical Politics Research*, No. 29, Vol. 5, 1.
- Torbati, Saronaz, (2017), "Constructing Fantasy and Analyzing the Subject of Hysterics in Facebook Discourse with an Emphasis on the Object of the Gaze", *Knowledge*, No. 77.

- Žižek, S, (2016), *Lacan according to Žižek*, Translated by Fattah Mohammadi, Hezareh Sevom Publication.

استناد به این مقاله: برقی، محسن، شهرام نیا، سید امیرمسعود، محرمخانی، فریبرز، دوازده‌امامی، سید غلامرضا، (۱۴۰۳)، «واکاوی هیستریک شدن سوژه ایرانی در دهه گذشته بر اساس نظریه لاکان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳(۴۹)، ۶۹-۹۴.

Doi: 10.22054/QPSS.2023.73778.3246



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License